

پارہ ماہی افتاب

دارالحدیث
اسلامیہ
کراچی

امام علی علیه السلام: المؤمنُ یَرغبُ فیما یَبقی، ویزهدُ فیما یَفنی... بعیدگسله، دائم نشاطه.
مؤمن به آنچه ماندنی است راغب است و از آنچه رفتنی است رویگردان... از تنبلی به دور است و پیوسته سرزنده و کوشاست.
منتخب میزان الحکمه ۴۹۲

چهار ساعت خواب در شبانه روز

ما ناظر بودیم که حضرت امام در ۲۴ ساعت گاهی اوقات، ۴ ساعت بیشتر نمی خوابیدند. ساعت ۱۱ شب، چراغ اطاق حضرت امام خاموش می شد و ما در ساعت ۳ بعد از نیمه شب متوجه می شدیم که صدای کاغذ از اتاقشان می آید. حضرت امام، معمولاً روزنامه هایی را که برایشان ترجمه می کردند و به علت کثرت کار در روز، موفق نمی شدند آنها را مطالعه کنند، آخر شب و در ساعتی که خودشان تنظیم کرده بودند، به مطالعه و رسیدگی آنها می پرداختند.

بعد از نماز صبح به منزل می رفتیم

در قضیه انجمن های ایالتی و ولایتی امام شبها، چه شب هایی که درس بود و چه شب های غیر درسی، استادان حوزه علمیه قم را که سرپرستی حوزه به عهده آنها بود، بعد از فوت مرحوم آیت الله بروجردی، جمع می کردند تا در این باره مشورتی بشود. امام در باره جلسه های بسیار طولانی آن جمع می گفتند:

«بعضی مجالس ما آن قدر طولانی می شد که نماز صبح می خواندیم و به منزل می رفتیم.»

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد جواد علم الهدی - پایه پای آفتاب - ج ۴ ص ۲۲



جلوه ای از کلام نور

باید همه ما اسلامی پیش برویم با برنامه اسلامی پیش برویم. پیروزی ما مرهون اسلام است نه مرهون من است و نه مرهون شما و نه مرهون هیچ قوه ای مرهون اسلام است. اسلام به ما این پیروزی را داده است. این یک نعمتی است که خدای تبارک و تعالی به ما اعطا کرده است و این نعمت را چنانچه شکرگزاری نکنیم ممکن است که یک وقتی خدای نخواستہ از ما بگیرند. شکرگزاری اش به این است که همان طوری که در اول همه دست ها بلند شد که ما اسلام را می خواهیم و جمهوری اسلامی را می خواهیم خدای تبارک و تعالی عنایت کرد و اعطا کرد.

صحیفه امام موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ج ۱۲ ص ۳۴۸ و ۳۴۹

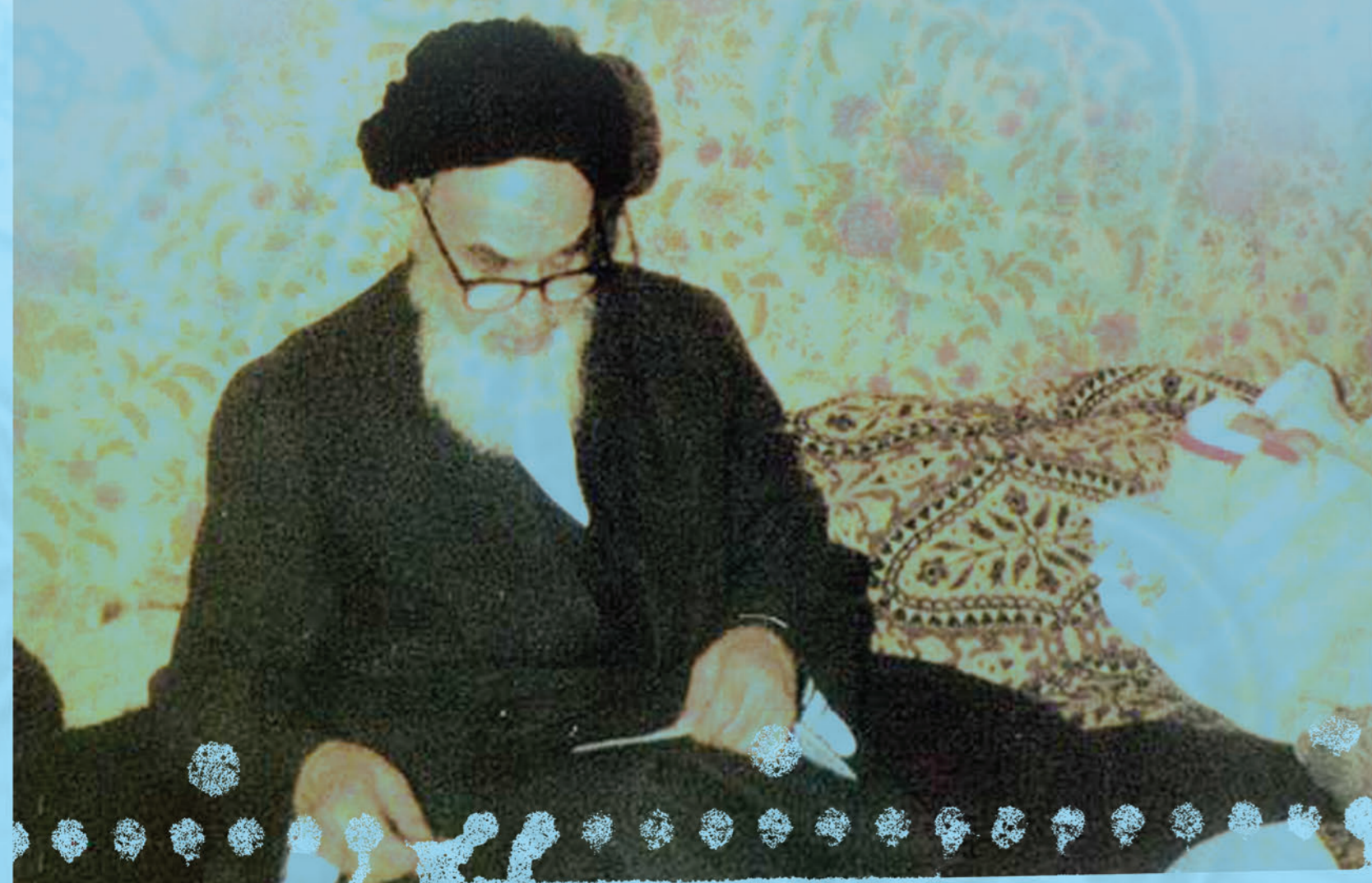
المؤمنون
روح الهدی
روح سر

حضرت علی (ع) در نامه به حاکم بصره مرقوم می فرماید: بدانکه امام شما از دنیای خود به دو جامه‌ی کهنه و از خوراکش به دو قرص نان اکتفاء کرده است... به خدا سوگند از دنیای شما نه طلا اندوخته و نه از غنیمتهای آن مال زیادی ذخیره کرده و غیر از این جامه‌ی کهنه جامه‌ی دیگری آماده نکرده ام... من اگر بخواهم می توانم از عسل مصفی بنوشم و از مغز گندم برای خود نان تهیه کنم و لباسهای نرم و لطیف بپوشم ولی هیئات چگونگی ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند و مرا به سوی بهترین خوراکیها بکشاند در صورتی که شاید در سراسر کشور حجاز یا در سرزمین یمامه، افرادی هستند که امید همین یک قرص نان را هم ندارند و دیر زمانی است که شکمشان سیر نشده است، آیا سزاوار است شب را با سیری صبح کنم، در صورتی که در اطرافم شکمهای گرسنه و جگرهای سوزان قرار دارد؟» (نهج البلاغه / نامه ۴۵ ص ۹۶۵)

ساده زیستی

یکی از اطرافیان امام می گوید، امام زمانی که در نجف بودند در یک منزل استجاری که نوساز نبود و از جهت سادگی مثل منازل سایر مردم عادی و طلاب بود سکونت داشتند و وقتی به ایشان گفته شد همانند بقیه بزرگان منزلی در کوفه نزدیک شط فرات برایشان اجاره شود تا در ایام تابستان که هوای نجف گرم و خشک بود به آنجا بروند ایشان امتناع کردند و فرمودند: من چطور می توانم به کوفه روم (و دنبال رفاه خود باشم) در حالی که بسیاری از مردم ایران در زندان به سر می برند.

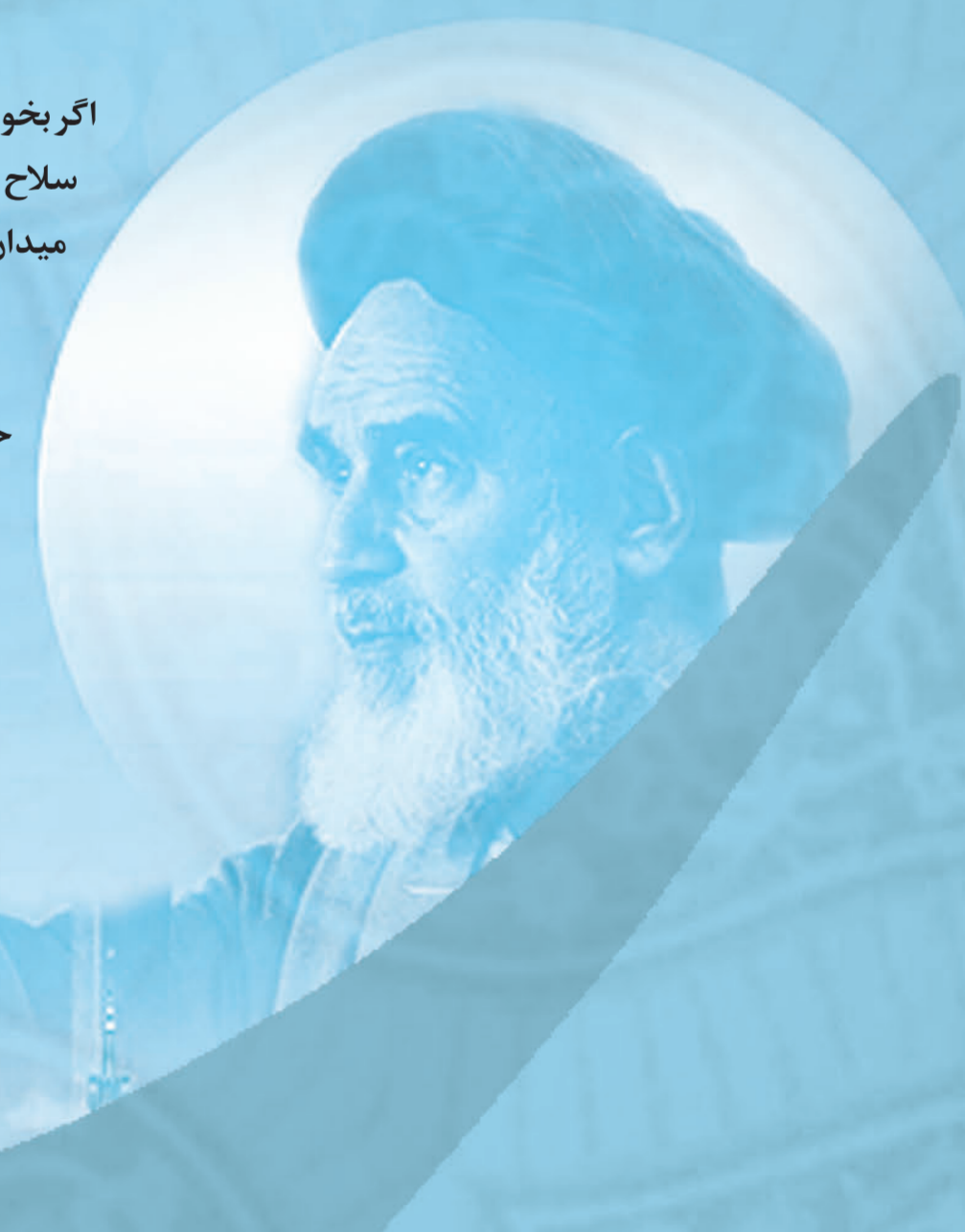
(سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی (ره) ج ۵ ص ۶۰ رضا شعر باف)



جلوه‌ای از کلام نور

اگر بخواهید بی خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکنند، خود را به ساده زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید. مردان بزرگ که خدمت‌های بزرگ برای ملت‌های خود کرده‌اند، اکثراً ساده زیست و بی‌علاقه به زخارف دنیا بوده‌اند. آنها که اسیر هواهای پست نفسانی و حیوانی بوده و هستند، برای حفظ یا رسیدن به آن، تن به هر ذلت و خواری می‌دهند و در مقابل زور قدرت‌های شیاطینی خاضع و نسبت به توده‌های ضعیف، ستمکار و زورگو هستند، ولی وارستگان به خلاف آنانند؛ چراکه با زندگانی اشرافی و مصرفی نمی‌توان ارزش‌های انسانی — اسلامی را حفظ کرد.

(صحیفه نور جلد هجدهم ص ۴۷۱)



«وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» زندگی دنیا جز کالایی فریب دهنده چیزی نیست. « حدید/ ۲۰

«وَلَا تُغْنِيَنَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا» زندگی دنیا شما را فریب ندهد « انعام / ۱۳۰

ساده زیستی

امام در پاریس در خانه ای به مساحت شصت متر مربع زندگی می کردند . در تهران هم در مدرسه علوی . در قم نیز در یک منزل یک طبقه با چند اتاق ساده و در جماران هم در خانه ای محقر و استیجاری.

خبرنگار رویترز در گزارش خود که از محل اقامت امام دیدن کرده می نویسد: «منزل مورد بازدید، برای رهبر یک کشور پنجاه میلیونی بسیار بی آرایش بود، یک قسمت از اتاق اصلی منزل که توسط یک پرده از دیگر قسمتهای اتاق جدا می شد محل خواب (امام خمینی) بوده است در قسمت دیگر اتاق یک صندلی که پارچه سفیدی بر روی آن کشیده شده بود. مهمترین اسباب منزل به نظر می رسید، در قفسه های منزل یک نسخه قرآن، تعدادی کتاب، یک آئینه، یک دستگاه رادیو و یک دستگاه تلویزیون به چشم می خورد»

(حجت الاسلام والمسلمین محمد سجادی اصفهانی - سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی - ج ۶)

حضرت امام در تمام مراحل زندگی، چه زمانی که طلبه‌ی گمنامی در مدرسه فیضیه بودند و چه زمانی که رهبری و مرجعیت شیعیان جهان را بر عهده داشتند، ساده‌بیز زیستی و اکتفا کردن به حداقل زندگی را منش خویش قرار داده بودند و هیچگاه حاضر نشدند سطح زندگی ایشان، از سطح زندگی عموم مردم بالاتر برود.»

(سیمای فرزندان - ص ۴۵۰)



جلوه‌ای از کلام نور

آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس جمهور ما خدای نخواست، از آن خوی کوخن شینی بیرون برود و به کاخن شینی توجه نکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند، پیدا می شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ نشینی پیدا کنند خدای نخواست، و از این خوی ارزنده کوخن شینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم. ما در طول مشروطیت از این کاخنشین ها خیلی صدمه خوردیم، مجلس های ما مملو از کاخنشین بود... آن روزی که زرق و برق دنیا پیدا بشود و شیطان در بین ما راه پیدا کند و راهنمای ما شیطان باشد، آن روز است که ابرقدرت ها می توانند در ما تاثیر کنند و کشور ما را به تباهی بکشند. همیشه این کشور بواسطه این کاخ نشینها تباهی داشته است. این سلاطین جور که همه تقریباً کاخ نشین بودند، اینها به فکر مردم نمی توانستند باشند، احساس نمی توانستند بکنند فقر یعنی چه، احساس نمی توانستند بکنند بی خانمان یعنی چه... وقتی که کسی احساس نکند که فقر معنایش چیست گرسنگی معنایش چیست این نمی تواند به فکر گرسنه ها و بفرستند باشد. لکن آنهایی که در بین همین جامعه بزرگ شده اند و احساس کردند فقر چیست؟ دیدند، چشیدند فقر را، احساس می کردند، ملموسشان بوده است که فقر یعنی چه، اینها می توانند به حال فقرا برسند.

(صحیفه نور جلد ۱۷ ص ۳۷۷)

روح الامیر
رحمتهما

«يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

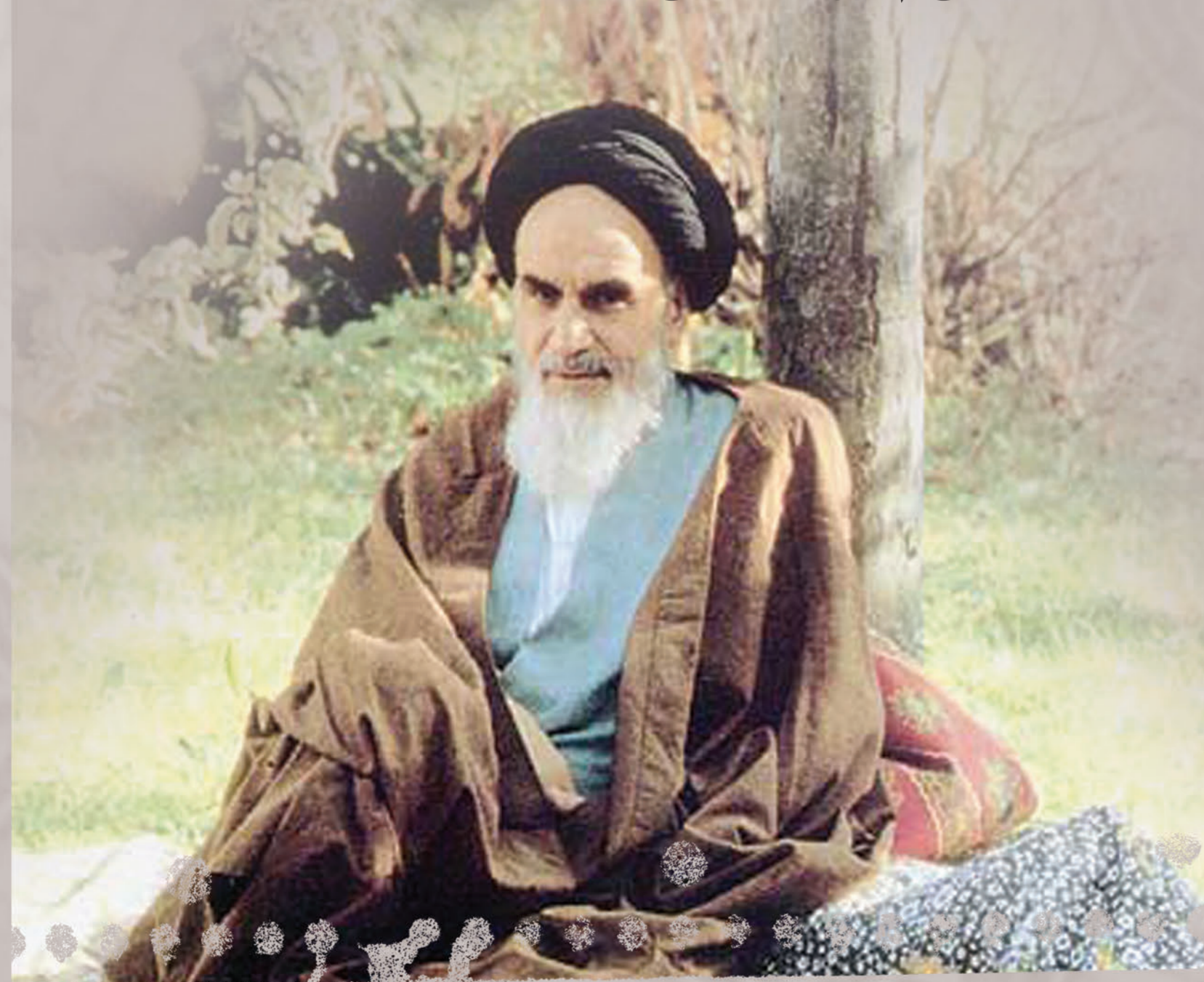
آنان در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند و این [روحیه شجاعانه] فضل خداست که به هر کس که بخواهد عنایت می کند و خداوند وسعت دهنده دانا است»

(سوره مائده آیه ۵۴)

شجاعت

از مرحوم حاج سید احمد آقا (فرزند امام) در مصاحبه ای شنیدم فرمود: از طرف آقای ری شهری (که آن وقت مسؤول اطلاعات بود) نامه ای به ما رسید که نوشته بود: «مطابق اسناد و قراین، امشب جماران از طرف دشمن (صدامیان) بمباران می شود، جای امام را عوض کنید . . .» هر چه به امام اصرار کردیم که به پناه گاه برود، نپذیرفت و فرمود: اگر همه ی مردم دارای پناه گاه شدند، آن وقت من هم به پناه گاه می روم . آن گاه امام در ذیل نامه آقای ری شهری این اشعار را نوشت

بر در میکده ام دست فشان خواهی دید
پای کوبان چو قلندر صفتان خواهی دید
از اقامتگه هستی به سفر خواهیم رفت
به سوی نیستی ام رقص کنان خواهی دید



جلوه ای از کلام انور

شجاعت شما دل تمامی میهن دوستان و اسلام باوران را شاد کرده است. شما در صحنه های سخت کارزار به دشمنان میهن عزیزمان آموختید که دیگر خیال تعرض به کشورمان و مکتب حیاتبخش هم میهنانمان را ننمایند . .
اینجانب دست یکایک شما را می فشارم، و از صمیم جان به شما دعا می کنم. خدا یار و نگهدارتان باد. به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی.
(صحیفه امام ج ۳ ص ۱۰۵)
شجاعت غیر از تهور است؛ شجاعت در جنگ حرکتی است قهرمانانه روی نقشه و نظم و حساب، و حال آنکه تهور بی حساب و نظم بر دشمن تاختن است
(صحیفه امام ج ۱۵ ص ۴۹۶)

المؤمنون
روح الهدى
رسول الله

پیامبر فرمود: اخذتموهن علی امانات الله... شماها زنان را به عنوان امانات الهی گرفتید.
پیامبر می فرماید: آن قدر جبرئیل سفارش زنان را نمود، تا آن جا که گمان کردم برای شوهر جایز نیست به زنش اف بگویم.
(مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۵)

احترام به همسر

برنامه نظم و ساعات آقا واقعا عجیب بود. حتی برنامه غذا خوردنشان. حاج احمد آقا می گفتند: من گفتم آقا وقت ناهار شده. بگویم ناهار بیاورند؟ آقا نگاهی به ساعتشان کردند و گفتند: نه هنوز وقتش نشده است. مدت کمی گذشت و چند کلمه ای با آقا صحبت کردم، آمدم تا دم در، امام صدا زدند. برگشتم، گفتند می خواهید بگوئید ناهار بیاورند؟ بیاورند، حالا وقتش است، ببینید، شاید یک دقیقه نشده بود، اما آقا این قدر منظم بودند که برای خود خانواده هم جای تعجب داشت، و می شود نتیجه گرفت که آقا واقعا چقدر در کارشان منظم است اما یادم می آید روزی که حاج خانم (همسر حضرت امام) برای زیارت حضرت عبدالعظیم رفته بودند و بنده هم به عنوان راننده حضور داشتم، در موقع برگشت که نزدیکهای ظهر بود، خانم گفت زود برویم، من به آقا نگفتم که ناهار بخورند، آقا صبر می کنند تا من بروم. زودتر برویم که آقا برای خوردن ناهار معطل نشوند. خلاصه راه بندان بود و ترافیک. تا ما رسیدیم نیم مساعتی از وقت ناهار گذشته بود. خانم گفتند: مثل اینکه آقا ناهار خورده باشند. ولی امام ناهار نخورده بودند و من پرسیدم، دیدم تازه سفره را انداخته اند و آن زمانی بود که یکی از اعضای بیت دیده بود که خانم می آیند. خانم به آقا گفته بودند شما ناهار می خوردید، ما می آمدیم. آقا در جواب با ملاحظت و احترام گفته بودند شما نفرمودید که من نمی آیم. درست با همین لفظ که شما نفرمودید که من نمی آیم وگرنه ما ناهار می خوردیم. ما منتظر شما بودیم. خلاصه آن آقایی که برای یک یا دو دقیقه به حاج سید احمد آقا می گوید هنوز وقت ناهار نشده. تا نیم ساعت صبر می کنند تا حاج خانم بیاید.

محمد هاشمی (محافظ بیت)



جلوه ای از کلام نور

تصدقت شوم، الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیدم، متذکر شما هستم و صورت زببایت در آیینه قلبم منقوش است.
عزیزم، امیدوارم خداوند شما را به سلامت و خوش در پناه خودش حفظ کند.
[حال] من با هر شدتی باشد می گذرد؛ ولی به حمدالله تاکنون هر چه پیش آمد، خوش بوده و الان در شهر زیبای بیروت هستم. حقیقتا جای شما خالی است، فقط برای تماشای شهر و دریا خیلی منظره ی خوش دارد. صد حیفا که محبوب عزیزم همراهم نیست که این منظره عالی به دل بچسبد.
ایام عمر و عزت مستدام.
تصدقت. قربانت: روح الله
جلد اول - صفحه ۲ - نامه به خانم خدیجه ثقفی "خانوادگی"

روح الهی
کلام نور

امام صادق علیه السلام به مسمع بن عبدالملک فرمودند: آیا مصائب آن جناب (امام حسین علیه السلام) را یاد می‌کنی؟

عرض کرد: بلی والله مصائب ایشان را یاد کرده و گریه می‌کنم. حضرت فرمودند: آگاه باش که خواهی دید در وقت مردن پدران مرا که به ملک الموت وصیت تو را می‌کنند که سبب روشنی چشم تو باشد. همچنین فرمودند: ای مسمع گریه بر احوالات حسین (علیه السلام) سبب می‌شود که ملک الموت بر تو مهربان‌تر از مادر گردد. گریه بر حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) باعث راحتی در قبر، فرحناک و خوشحال شدن مرده، شادمان و پوشیده بودن او در هنگام خروج از قبر است در حالی که او مسرور است، فرشتگان الهی به او بشارت بهشت و ثواب الهی را می‌دهند. اجر و مزد هر قطره آن این است که شخص همیشه در بهشت منزل کند. (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۹ و کامل الزیارات باب ۳۲، ص ۱۰۱)

گريه بر امام حسين عليه السلام

در زمانی که امام (ره) در فرانسه به سر می‌بردند، چون ماه محرم فرا رسید، در روز تاسوعا امام از یکی از همراهان خواست روضه بخواند. او عرض کرد: آمادگی ندارم و حال و هوای پاریس به هیچ‌وجه مناسب روضه خوانی نیست. امام (ره) تاکید فرمود: فرقی نمی‌کند باید به همان صورت مجالس معمولی ایران، روضه بخوانی. وی ظهر تاسوعا در جمع خبرنگاران ایرانی و خارجی شروع به روضه خواندن کرد. ناگهان مشاهده کرد امام سخت مشغول گریه کردن است. برای کسانی که از کشورهای اروپایی آمده بودند، شگفت‌آور بود که مردی، پس از سالهای متمادی مبارزه در برابر استبداد و استکبار، روز تاسوعا بنشیند، وبگرید، اما امام به این تفاسیر وقعی نمی‌نهاد و لازم می‌دید آداب و رسوم محرم و ایام سوگواری در آنجا هم اجرا شود.

جلوه‌ای از کلام نور

نمی‌دانند که گریه کردن بر عزای امام حسین، زنده نگه داشتن نهضت، و زنده نگه داشتن همین معنا [ست] که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد. دستور است. آن دستور عمل امام حسین، سلام الله علیه. دستور است برای همه: كُلْ يَوْمَ عَاشُورَا؛ وَكُلْ اَرْضَ كَرْبَلَاءِ دستور است به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت را ادامه بدهید، همان برنامه را ..

(صحیفه امام ج ۱۰ ص ۳۱۵)

این مطلبی که الآن القا کرده‌اند به جوانهای ماکه تاکی گریه و تاکی روضه و اینها؟! بیایید تظاهر کنیم. اینها نمی‌فهمند روضه چیست؛ و این اساس [را] کی تا حالا نگه داشته است، این را نمی‌فهمند، و نمی‌شود هم بهشتان بفهمانیم. اینها نمی‌فهمند که این روضه و این گریه آدم ساز است؛ انسان درست می‌کند.

(صحیفه امام ج ۱ ص ۱۲۰)



امیرالمؤمنان علی علیه السلام: مهربانی بر رعیت را پوشش قلبت قرار ده و به آنها محبت کن و لطف داشته باش و برای آنها چون حیوانی درنده و ضرر رسان نباش که خوردنشان را مغتنم شماری. مردم دو دسته‌اند: یا برادر ایمانی تو محسوب می‌شوند و یا مثل تو انسانند و هم کیش تو نیستند. گناهی از آنها سر می‌زند و سببهای بدکاری از روی عمد و یا سهو به آنان روی آورده، پس تو از گناهان بگذر چنانکه دوست داری خداوند تبارک و تعالی از لغزشهایت بگذرد و ترا عفو فرماید و در حالی که تو برتر از آنها هستی و آنکه بر تو ولایت دارد از تو برتر است. و خداوند متعال بر آنکه تو را ولایت داد، برتر است. خواسته است که کار این مردم را انجام دهی و آنان را وسیله آزمایش تو قرار داد.

نهج البلاغه نامه ۵۳

مردم جلو ترند

روزی خدمت ایشان بودیم و در رابطه با فداکاری مردم صحبت می‌کردیم، ایشان فرمودند: این مردم خیلی از ما جلو هستند. یکی از برادران اظهار داشت: اگر ما بگوئیم دنباله رو مردم هستیم درست است، لیکن در مورد شما که چنین نیست. ایشان با شنیدن این مطلب، قدری ناراحت شد و فرمود: خیر، این مردم از همه ما جلو تر هستند.

ملاقات با پیرمرد

پیرمردی از راه دور برای زیارت حضرت امام به تهران و جماران رفت، در همان روز چندتن از شخصیت‌ها نیز برای دیدار امام رفته بودند، امام در آن روز با کسی قرار ملاقات نداشت، دیدار با شخصیت‌ها را نیز نپذیرفت اما وقتی که باخبر شد پیرمردی از روستایی دور افتاده به دیدار او آمده، او را به حضور پذیرفت.

همدردی

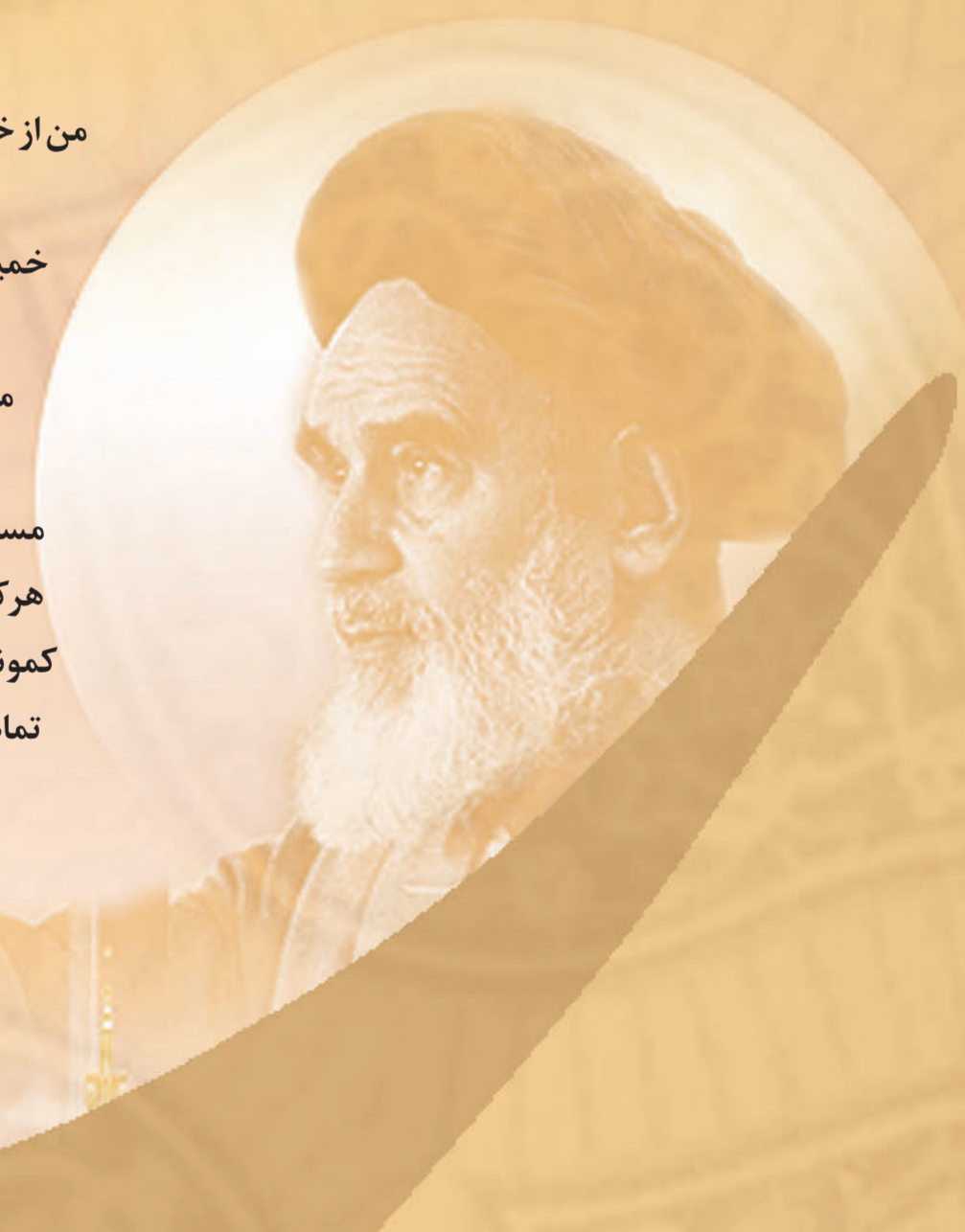
در زمستان سال ۱۳۵۷ که امام خمینی (ره) در فرانسه بودند، و مردم ایران به خاطر کمبود نفت و سرمای زمستان در سختی بودند؛ امام (ره) فرمودند: من برای همدردی با ملت ایران اتاق خود را سرد نگه می‌دارم.



جلوه‌ای از کلام نور

من از خدای تبارک و تعالی توفیق همه را می‌خواهم. من از بیرون آمده‌ام که خدمت به شما بکنم. من خادم شما هستم، من خادم ملت شما هستم. خمینی دست یکایک شما را می‌بوسد و به یکایک شما احترام می‌گذارد و یکایک شما را رهبر خودش می‌داند، که بارها گفته‌ام من با شما یکی هستم. من احتیاج به کمک مالی ندارم. من با شاه، با یک قلم و چند صفحه کاغذ مبارزه می‌کنم؛ و اگر یک وقت محتاج به کمکی باشم ملت من، به من کمک خواهد کرد. مسؤولین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بی‌خبر برای از بین بردن انقلاب، هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را ببیماید فوراً او را کمونیست و التقاطی می‌خوانند. از این اتهامات نباید ترسید، باید خدا را در نظر داشت و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید.

روج المومنین
روح الهدی



إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنها نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.

فصلت آیه ۳۰

می‌گوییم ملت تکه تکه تان کنند

در ایام عید سال ۴۲ که مصادف با ۲۵ ماه شوال، شهادت حضرت صادق علیه السلام بود و کماندوهای شاه در لباس دهقانان به فیضیه حمله کردند و مردم و طلاب را زدند سه روز در قم این جریان ادامه داشت. صبح همان روز گفتند که کماندوها اول به منزل امام رفته اند. امام در منزل مجلس روزه ای داشتند که کماندوها قصد داشتند آنجا را به هم بزنند. امام خودشان صحبت کرده، تهدید کردند که اگر اینجا را به هم بریزید می‌گویند ملت تکه تکه تان کنند. کماندوها هم ترسیدند و عصر در مدرسه فیضیه این مسأله اوج گرفت.

آیت الله محمد مؤمن - سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی - ج ۳ ص ۱۱۷



جلوه‌ای از کلام نور

حضرت امام، چه اشکالی دارد ما تسلیم آمریکا شویم و هزینه‌های فعلی را نپردازیم؟ اگر ما تسلیم آمریکا و ابرقدرتها می‌شدیم، ممکن بود امنیت و رفاه ظاهری درست می‌شد و قبرستان‌های ما پر از شهدای عزیزمان نمی‌گردید، ولی مملکت استقلال و آزادی و شرافتمند از بین می‌رفت. آیا ما می‌توانیم نوکر و اسیر آمریکا و دولت‌های کافر شویم تا بعضی چیزها ارزان شود و شهید و مجروح ندهیم؟! هرگز ملت زیر بار این ننگ نخواهد رفت و تن به این ذلت نخواهد داد.

صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۳۵

کلام نور
روح الهی
روح الهی

وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيشُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

و چه بسیار پیامبرانی که همراه ایشان توده‌های انبوه نبرد کردند و از هر رنجی که در راه خدا دیدند نه سستی ورزیدند و نه ضعف و زبونی نشان دادند، و خداوند شکیبایان را دوست دارد.

سوره آل عمران آیه ۱۴۶

آتاتورک حرف امروز آن‌ها را می‌زد!

روزی که امام با عده ای از علما و روحانیون ریش سفید در مجلس نشسته بودند بحث مجلس در مورد آتاتورک بود، آنها می‌گفتند: آتاتورک خائن و مزدور و عامل استعمار بوده است و ... یکباره امام حرف آنها را قطع کرده، فرمودند: آتاتورک نظریه امروز حوزه نجف را داشت که می‌گفت باید دین از سیاست جدا باشد!

این فرمایش امام ضربه سختی برای علمای نجف بود. یک مرتبه مجلس را سکوت کاملی فراگرفت. ولی آن‌ها وقتی واقعاً تأمل کردند پی بردند که امام حرف درستی می‌زنند. زیرا آتاتورک که آنقدر به او بد می‌گویند و او را خائن می‌دانند حرف امروز آن‌ها را می‌زد که در قبال مواضع امام می‌گفتند دین به سیاست چه کار دارد.

حجت الاسلام والمسلمین سید حمید روحانی - پایه پای آفتاب - ج ۳ ص ۱۵۵



جلوه‌ای از کلام انور

اگر توطئه زیاد باشد با مشت خنثی می‌کنیم!
من به شما ملت ایران سفارش می‌کنم که اگر در روزنامه ای، در مطبوعاتی، در جای دیگری به من سب بکنند، فحش بدهند، کسی حق ندارد که یک کلمه بگوید. من تحریم کردم بر شما جوابگویی را؛ برای اینکه توطئه است، توطئه‌ها را با سکوت خنثی کنید؛ و اگر چنانچه توطئه زیاد باشد با مشت خنثی می‌کنیم.

المرور
روح الهدى
روح انور



پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم: آن که در جهاد در راه خدا، در حالی کشته شده که نه پشت به دشمن، بلکه رو به دشمن داشته است، هفتاد سال بر آن که پشت به دشمن کشته شده است، به سوی بهشت، پیشی می‌گیرد. [همچنین] بیماران امت من نیز هفتاد سال پیش از تن درستان امت [به بهشت می‌روند]: و پیامبران، چهل سال پیش از سلیمان بن داوود به بهشت درمی‌آیند، بدان سبب که وی [در دنیای خویش] سلطنتی داشته است.

کنز العمال، جلد ۴، صفحه ۴۰۷

برکات جنگ هشت ساله چه بود؟

- ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم.
- ما در جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خود بایستیم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده ایم.
- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم.
- این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم.
- ما در جنگ ریشه های انقلاب پر بار اسلامیمان را محکم کردیم.
- جنگ در عین حال که ناگوار بود و شهرهای ما را خراب کرد، ولی برکاتی داشت که اسلام به دنیا معرفی شد.
- جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام های فساد، در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.



جلوه‌های از کلام نور

آن چه که معلوم است و شما هم می‌دانید امروز در حال دفاع هستیم، گویی که تبلیغات خارجی بر ضد ما هر چه باشد. لکن شما می‌دانید که الان بعضی از شهرهای ما و بعضی از زمین‌های ما در دست دشمن است و شهرهای مرزی ما هر روز در زیر توپ‌های دوربرد و موشک‌های دشمن است، و بر همه ما واجب است که دفاع کنیم از کشور خودمان؛ و دفاع این است که ما دشمن را تا آن جا برسانیم و برانیم که نتواند با موشک‌های خودش شهرهای ما را بکوبد. رفتن در خاک عراق نه حمله به عراق است، دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی است. نظیر این که اگر یک کسی در خارج منزل شما بایستد، از داخل خانه خودش سنگ پرتاب کند و موجب خسارت جانی و مالی بشود. اگر شما وارد بشوید در منزل او، شما حمله نکردید به او، شما می‌خواهید دفاع کنید از خودتان ما هیچ وقت بنای هجوم به یک کشوری نداریم، ما بنای دفاع داریم از یک متعددی و از یک حمله‌گر و از یک خدانشناس که در خارج، وقتی نتواند در داخل وارد بشود و کاری بکند، با توپ‌های دوربردشان و موشک‌ها از خارج، از جاهای دور می‌اندازد و کشور ما را ویران می‌کند و عزیزان ما را می‌کشد. ما در حال دفاع هستیم؛ این تبلیغات خارجی که می‌گویند شما وارد شدید در کشور دیگری، از جنگ تا حالا که آنها وارد بودند، صحبتی نبود، حرفی نبود، اشکالی نبود، نه در سازمان‌ها و نه در رسانه‌های گروهی. امروز که ما برای دفاع از خودمان می‌خواهیم این را تا جایی ببریم که نتواند به ما خسارت وارد کند، ما هجوم کردیم به عراق؟! طبع آن‌هایی که تبلیغ بر ضد اسلام می‌کنند همین است. بنابراین، ما چون مدافع هستیم بر همه ما یک امر واجب است، منتها هر کسی دفاع را به یک نحوی باید بکند.

صحیفه نوره ج ۲۱ ص ۲۸۳

التمویذ
روح البدر
رسول الله

امیر المؤمنان علیه السلام: خداوند سبحان می فرماید: « آنان مردانی هستند که نه تجارت آنان را از به یاد خدا بودن و بر پا داشتن نماز و دادن زکات دور می کند و نه خرید و نه فروش . » رسول خدا (ص) با این که به بهشت بشارت داده شده بود، باز خود را به زحمت می انداخت، به جهت فرموده خداوند سبحان: « امر کن خانواده ات را به نماز و تحمل کن در به پا داشتن آن . » پیامبر اکرم (ص) دودمانش را به نماز دستور می داد و در اقامه نماز سختی ها را تحمل می فرمود.

نهج البلاغه خطبه ۱۹۹

شما هم نماز بخوانید

هنگامی که آدم دزدان رژیم، با سرعت سرسام آوری زعییم توده های رنج دیده را از قم بیرون برده بودند، اضطراب، نگرانی، رعب و وحشت در چهره دژخیمانی که امام را به تهران می بردند به خوبی هویدا بود. دیوانه وار ماشین را می راندند و وحشتزده به عقب و اطراف می نگریستند. وحشت آنان به حدی بود که هر چه امام اصرار ورزیدند تا برای چند دقیقه ای ماشین را نگه دارند تا امام نماز صبح را به جا بیاورد، نپذیرفتند. امام در مقام دلداری آنان اظهار داشتند: « اینطور وحشت زده و مضطرب نباشید، در وسط این بیابان کسی نیست که قصد تعرض نسبت به شما را داشته باشد. چند دقیقه ای ماشین را برای نماز متوقف سازید. شما نیز نماز بخوانید، شما ارتش کشور اسلامی هستید و از بودجه اسلام ارتزاق می کنید و واجب است که به احکام و قوانین اسلام پایبند باشید. سرانجام بر اثر فشار و اصرار بیش از حد امام حاضر شدند که برای چند لحظه ماشین را نگه دارند که فقط ایشان تیمم نمایند. امام پس از تیمم با خاک حاشیه جاده سوار ماشین شدند و نماز صبح را در ماشین که با سرعت در حرکت بود به جا آوردند.

حجت الاسلام والمسلمین سید حمید روحانی - بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی - ج ۱



جلوه ای از کلام نور

سرمایه های سعادت عالم آخرت و وسیله ی زندگانی روزگارهای غیر منتهای نماز است.

نماز که در بین عبادات و مناسک الهیه، سمت جامعیت و عمودیت دارد ...

کتاب اسرار الصلوه

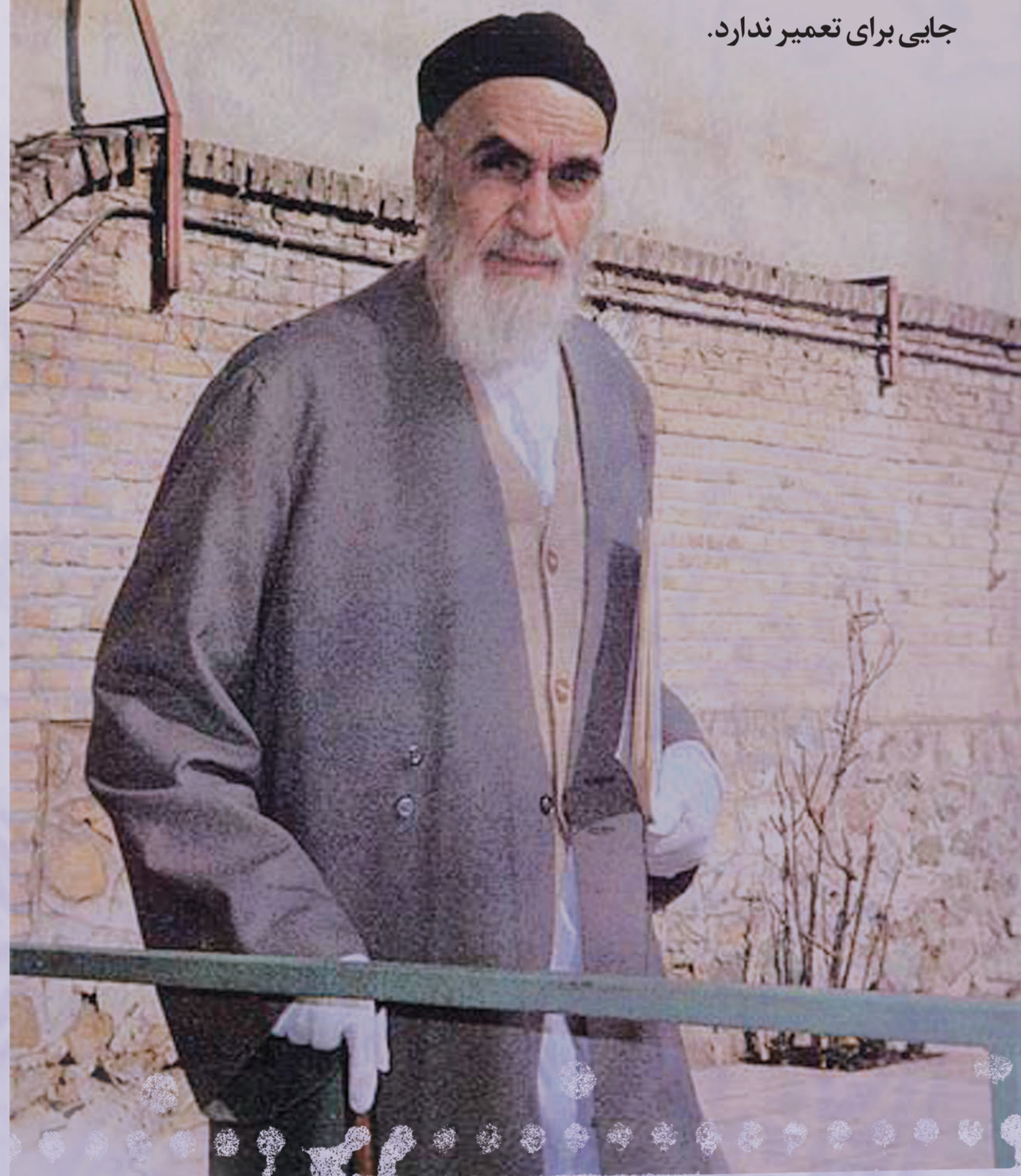
روج المومنین
روح الهدی
روح الامیر

امیر المؤمنان علی علیه السلام: سوگند به خدایی که دانه را شکافت و روح را آفرید، اگر گروهی برای یاری من آماده نبود و حجت خداوندی با وجود یاوران، بر من تمام نمی گشت و پیمان الهی با دانایان درباره عدم تحمل پر خوری ستمکار و گرسنگی ستم دیده نبود، مهار این زمامداری را به دوشش می انداختم و انجام آن را مانند آغازش با پیاله بی اعتنایی سیراب می کردم. در آن هنگام می فهمیدید که این دنیای شما در نزد من از اخلاط دماغ یک بز ناچیزتر است!

نهج البلاغه خطبه ۳

← کفش پاره امام «ره»

سومین بار بود که امام خمینی (ره) کفش خود را برای تعمیر می فرستاد، ولی کفاش نمی دانست صاحب کفش، امام است. این بار که کفش را پیشش بردند، گفت: این کفش را دوبار پیش من آوردید و تعمیرش کردم، ولی دیگر جایی برای تعمیر ندارد.

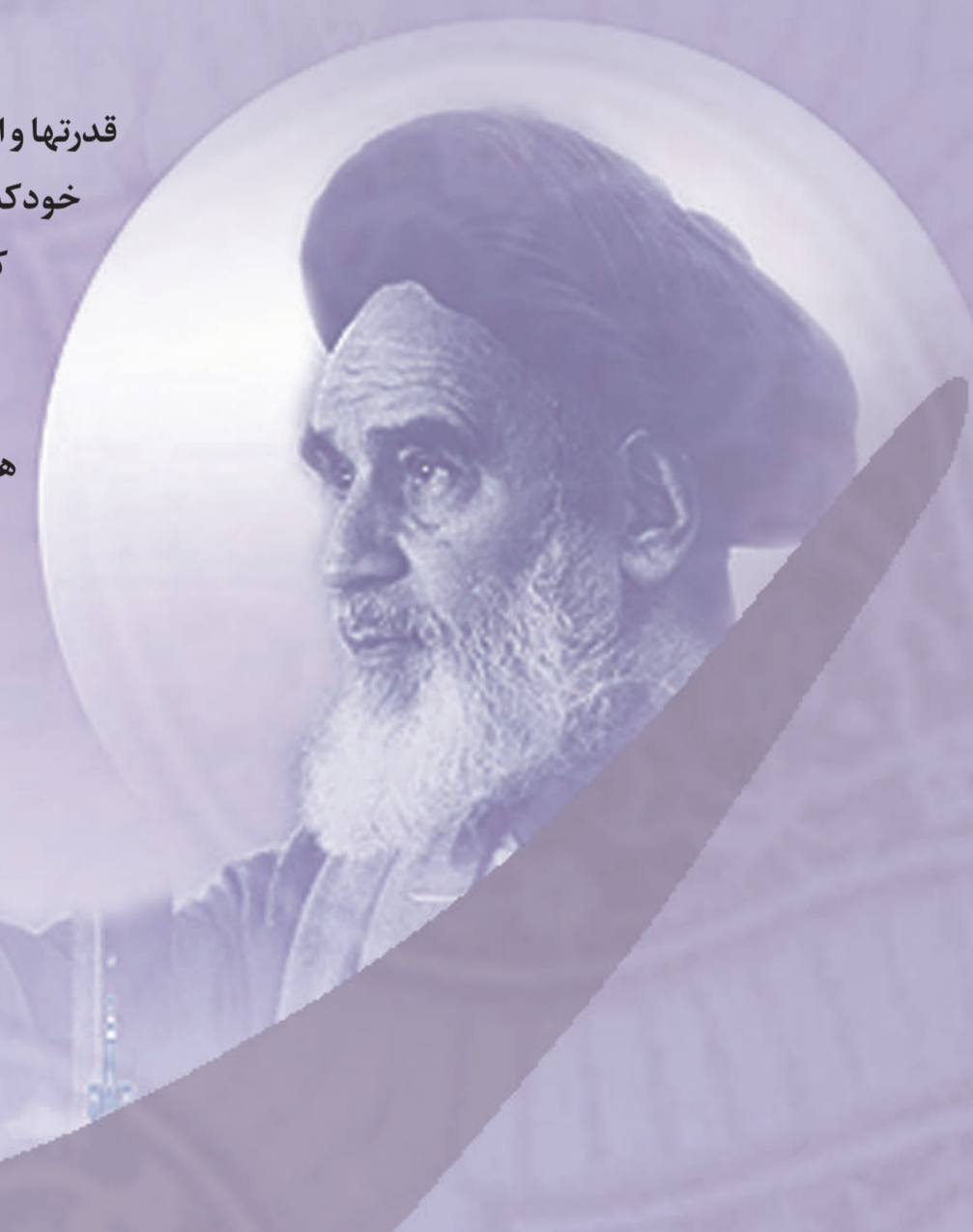


جلوه ای از کلام نور

قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی بیکه و تنها هم بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می دهد، و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرهنه های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهانخواران و سر سپردگانی که بر ستم و ظلم خویش اصرار می نمایند، سلب خواهد کرد.

هیبهات که خمینی در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد - صلی الله علیه و آله - و پیروان ابراهیم حنیف، ساکت و آرام بماند، و یا نظاره گر صحنه های ذلت و حقارت مسلمانان باشد.

المؤمنون
روح الهدى
روح الهدى

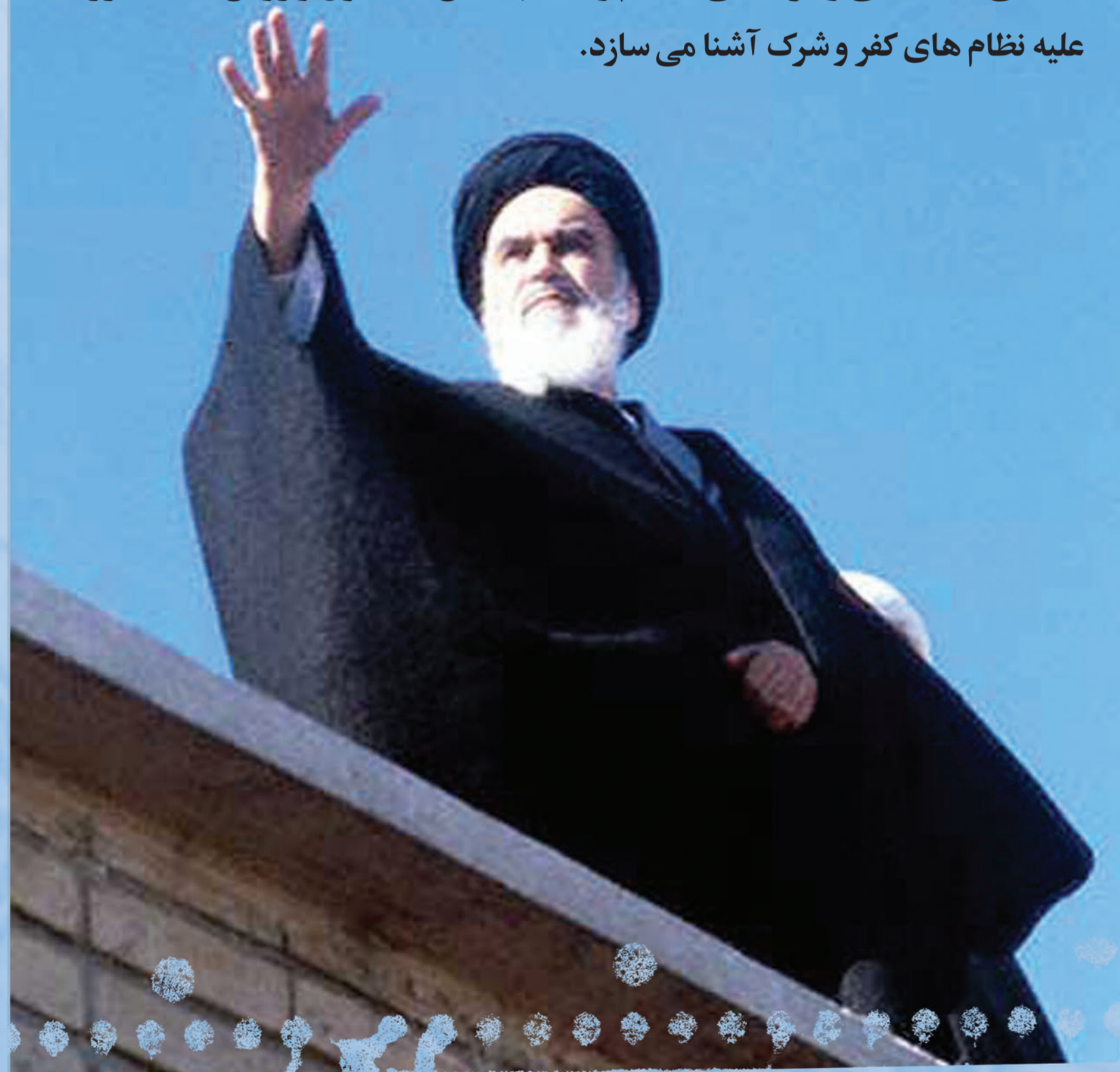


رسولُ الله صلى الله عليه وآله وسلم: مَنْ ماتَ وَلَمْ يَغْزُ، وَلَمْ يُحَدِّثْ بِهٖ نَفْسَهُ، ماتَ على شُعبَةٍ مِنْ نفاقٍ .
کسی که جهاد نکرده یا آرزوی جهاد نداشته باشد و بمیرد به نوعی نفاق مرده است .

صحیح مسلم: ۳ / ۱۵۱۲ / ۱۹۱۰

امام و پابرهنگان جهانی

حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان از اصول سیاست خارجی ماست! ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم، ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم . ما اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر، نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش های مبارزه علیه نظام های کفر و شرک آشنا می سازد.



جلوه ای از کلام انور

باید این نهضت در تمام عالم، نهضت مستضعف در مقابل مستکبر در تمام عالم

گسترده شود. ۵۸/۲/۲۴

مستکبرین غاصبند، مستکبرین باید از میدان خارج بشوند. ۵۸/۲/۲۷

و همه باید گوش کنی که وحدت بین مستضعفان در هر مسلک و مذهبی که باشند، تحقق پیدا کند که اگر خدای نخواستہ سستی پیدا شود، این دو قطب مستکبر شرق و غرب مانند سرطان همه را به هلاکت خواهند رساند. ما عازم هستیم که تمام سلطه ها را نابود سازیم. ۶۲/۲/۲۰

الْمَوْبُوءُ
رُوحُ الْهَيْدَرِ
روح انور

پیامبر صلی الله علیه وآله: یُخْرِجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ قَبِيحَاتٍ لِّلْمُهَدِي سُلْطَانَهُ؛

مردمی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می‌آورند.

کنز العمال، ج ۳۸۶۵۷.

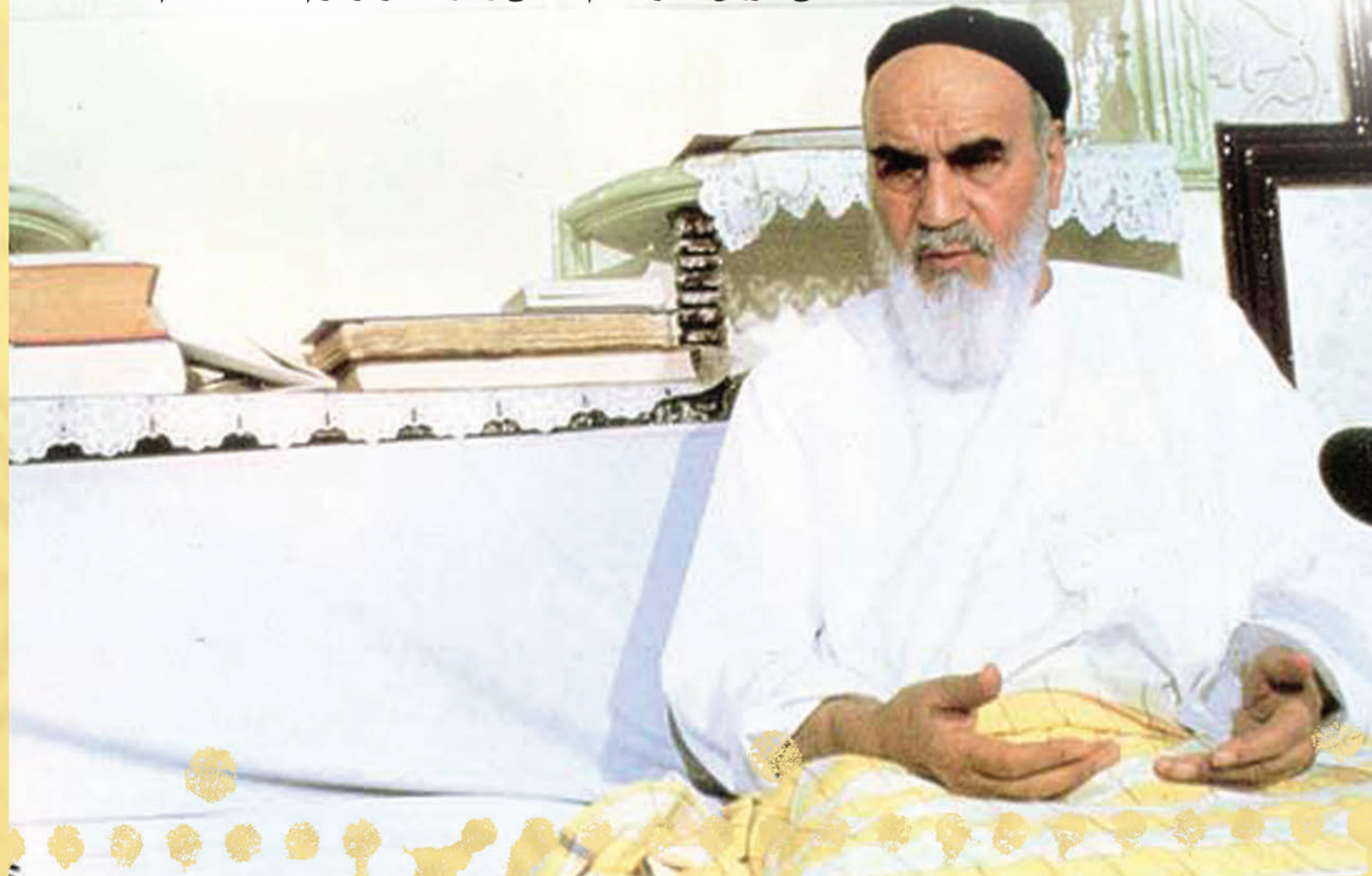
امام در پشت جبهه هم امام بود

در ایام دفاع مقدس تصمیم گرفتیم مقداری آجیل بسته بندی و برای رزمندگان اسلام به جبهه ها بفرستیم، اعضای خانواده و بیت امام جمع شدند و مقداری پلاستیک آوردیم و آجیل ها را در کیسه های پلاستیکی کوچک می ریختیم و بعد منگنه می کردیم امام آمدند و وقتی متوجه شدند برای جبهه ها این کار را می کنیم ایشان نیز به ما پیوستند و هم آجیل در کیسه ها می ریختند و هم منگنه زدند و با اشتیاق نیز این کار را انجام می دادند. خانم طباطبایی اضافه می کنند: پس از آن بر روی چند بسته از آجیل ها نوشتیم ارسالی از جماران که چندی بعد نامه ای از جبهه آمد از چند رزمنده که از این اقدام ما تشکر کرده بودند.

وی گفت: آن رزمنده ها نمی دانستند که آجیل محتوی بسته ها با دستان مبارک امام پر شده بود.

وی علاقه و ارادت امام را به رزمندگان اسلام و بسیجیان غیرقابل وصف بیان کرد و در بیان خاطره تلخ امام از دوران جنگ گفتند: امام حادثه پذیرش قطعنامه را تلخ ترین رویداد در دوران دفاع مقدس می دانستند.

فاطمه طباطبایی، عروس حضرت امام خمینی(ره) و همسر مرحوم حجت الاسلام سیداحمد



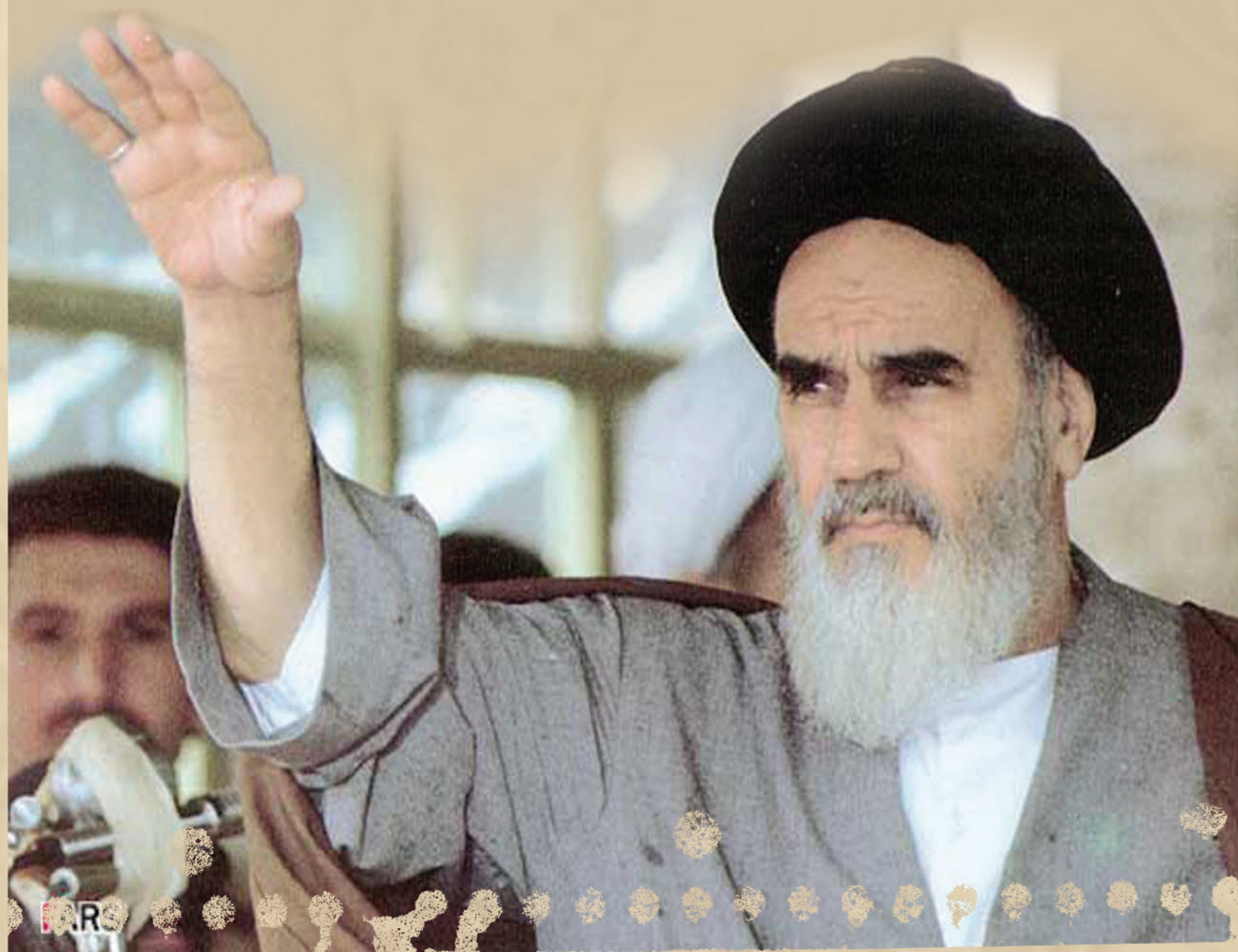
جلوه ای از کلام نور

هر روز ما در جنگ برکتی داشته ایم که در همه صحنه ها از آن بهره جسته ایم. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. شهادت در راه خدا مسئله ای نیست که بشود با پیروزی در صحنه های نبرد مقایسه شود، مقام شهادت خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است. من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می خورم، و از خدا می خواهم تا با بسیجیان محشورم گرداند، چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی ام. چه غافلند دنیا پرستان و بی خبران، که ارزش شهادت را در صحیفه های طبیعت جستجو می کنند، و وصف آن را در سروده ها و حماسه [ها] و شعرها می جویند، و درکشف آن از هنر تخیل و کتاب تعقل مدد می خواهند، و حاشا! که حل این معما جز به عشق میسر نگردد.

التمویز
روح الهی
روح الهی

هدایت الهی در تصمیمات حضرت امام (ره)

یکی از بزرگترین همراهی‌هایی که خدای تبارک و تعالی با ملت ما کرد این بود که این‌ها را از مقابله جدی منصرف کرد. اگر این‌ها می‌خواستند که مثلاً مثل حالای افغانستان رفتار کنند که بکوبند و بزنند و چه بکنند، خوب ما ضایعه زیاد داشتیم. حالاً رعبی در دل بسیار ایشان افتاد یا چه شد که انصراف حاصل شد، بحمدالله تا اینجا که رسیده، خوب بوده است، ضایعه بوده است، اما کم بوده است. خدای تبارک و تعالی در همه مسائل از اول نهضت تا حالا با ما و با شما ملت همراهی فرمود.



جلوه‌ای از کلام انور

از ایران به وسیله دولت فرانسه برای ما پیغام آوردند که شما حالا نیائید. اگر بیایید حمام خون راه می‌افتد! و از این حرف‌ها زیاد زدند و این اسباب این شد که من در ذهنم آمد که رفتن ما به ایران برای اینها یک ضرری دارد. اگر چنانچه برایشان نفع داشت و می‌توانستند که ما را فوراً توقیف کنند، این حرف‌ها را نمی‌زدند و می‌گفتند بیایید ایران. ما عازم شدیم و آمدیم. در همین اواخر که آمدیم تهران و آقایان هم به عنوان وزارت بودند، حکومت نظامی اعلام کردند من اصلاً نمی‌دانستم که این‌ها برای چه حکومت نظامی اعلام کرده‌اند. بعدها علت را به ما گفتند، لکن در آن وقت به ذهنم آمد که بشکنیم این حکومت نظامی را. آنها اعلام کردند که از ظهر به آن طرف، حکومت نظامی است و من نوشتم که شکسته شود و شکسته شد و بعد فهمیدیم که توطئه بوده و این حکومت نظامی برای این بوده است که بعدش نظامی‌ها و قوای که دارند، مستقر بشوند در خیابان‌ها و شب‌گودتا کنند و همه ماها و شما را از بین ببرند. این را هم خدا کرد. هیچ‌ما در ذهنمان چنین مسئله‌ای نبود. ما به حسب عادت که حکومت نظامی نباید این قدر باشد، مخالفت کردیم.



امیرالمؤمنان علی (علیه السلام) در عهدنامه مالک اشتر، به مالک این گونه دستور می دهند: «حق را از آن هرکه باشد، نزدیک یا دور (خویش یا بیگانه) رعایت و اجرا کن و در این باره، شکبیا باش و این شکبیایی را به حساب خدا بگذار، هر چند این رفتار با خویشاوندان و اطرافیان باشد و عاقبت آن را با همه دشواری که دارد، چشم دار، که پایان آن پسندیده است و سرانجامش فرخنده.»

(نهج البلاغه، نامه ۵۳)

← قانون مداری

یکی از شاگردان حضرت امام می گوید: من در ایام اقامت امام در نجف اشرف، به دلیل ممنوع الخروج بودنم، به صورت قاچاق به نجف رفتم و خدمت حضرت امام رسیدم. ظهر بود، در اتاق را باز کردم و سلام کردم. فرمود: علیکم السلام. شما هم قاچاق آمدید؟ گفتم: بله. بعد امام فرمود: «دیگر به شکل قاچاق نیایید. هر وقت خواستید بیایید، با گذرنامه باشد» و این اصرار امام برای آن بود که مرا به رعایت قانون وادار سازد.

آیت الله شهید مصطفی خمینی می گوید: در شهر همدان، امام هنگام عبور از یکی از خیابان ها، مسافت زیادی را طی می کردند تا از تقاطع عابر پیاده عبور کنند. ایشان حتی تا این اندازه نیز قوانین را رعایت می کردند.

مرحوم حاج سید احمد آقا خمینی (رحمت الله علیه) نقل می کند: روزی حضرت امام به من فرمود: کتاب کشف الاسرار مرا از کتاب خانه نزدیک جماران، تهیه کن و برابم بیاور. به ایشان گفتم: اگر شما بفرمایید چشم، کتاب را می گیرم و می آورم، اما قانون این کتاب خانه این است که کتاب، دست کسی برای بیرون بردن نمی دهد، بلکه کتاب را تنها همان جا باید مطالعه کرد. امام فرمود: پس اگر قانونش این است، شما نمی خواهید از آن جا کتاب بیاورید. به این ترتیب، من کتاب کشف الاسرار را از جای دیگری تهیه کردم و به ایشان دادم.



جلوه ای از کلام نور

حضرت امام خمینی (ره) با توجه به اینکه قرآن را برترین کتاب قانون می داند، معتقد است که تمامی قوانین حکومت ها در صورتی که متخذ از قرآن باشد، ارزشمند است و می باید بر آن ها پایبند بود. از نظرگاه امام، قانون اساسی و تمامی قوانینی که ناشی از احکام اسلام باشد، اعتبار و ارزش دارد و بر همه مسلمانان واجب است که در عمل به آن و رعایت آن کوشا و جدی باشند. از این رو، امام پایبندی به قانون اسلام را امری ضروری و آن را وظیفه ای الهی می داند. همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید و لو بر خلاف رأی شما باشد. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۴۴

رواج المومنین
رسول الله

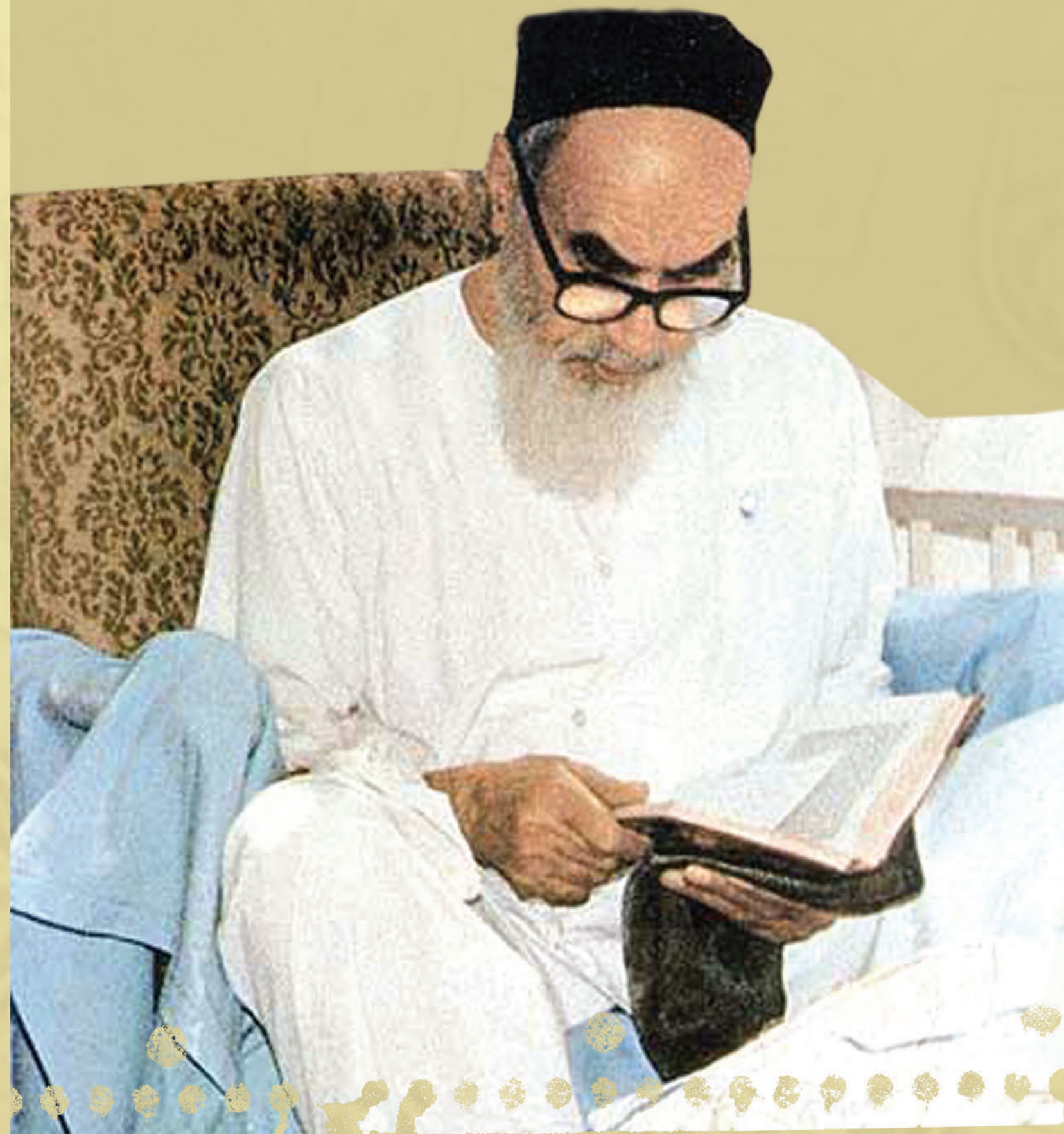
امیر المؤمنان علی علیه السلام: دنیا روی به آن تقوا پیشه گان آورد، ولی آنان رهایش کردند و اعتنایی به آن نمودند. دنیا آنان را به اسارت کشید. آنان با دست کشیدن از جهان، خود را نجات دادند. شب هنگام راست بر پا می ایستند و اجزاء قرآن را به بهترین وجه تلاوت می نمایند. نفوس خود را با آیات قرآنی اندوهگین می سازند و دواى درد خود را با آن کتاب الهی تحصیل می نمایند.

خطبه ۱۹۳ بند ۵

چشمم را برای قرآن خواندن می خواهم

نجف که بودیم آقا چشمشان ناراحت شده بود. دکتر آمد و چشم ایشان را دید گفت: « شما چند روز قرآن نخوانید و استراحت کنید. » امام یک دفعه خندیدند و گفتند: « دکتر من چشمم را برای قرآن خواندن می خواهم، چه فایده ای دارد اگر چشم داشته باشم و قرآن نخوانم. شما یک کاری بکنید که من بتوانم قرآن بخوانم. »

فاطمه طباطبایی - حضور - ش ۳



جلوه ای از کلام نور

ایشان خطاب به یکی از حاکمان اسلامی می فرماید: اسلام امروز مهجور است، احکام قرآن مهجور است. قرآن باید در تمام شؤون زندگی ما حاضر باشد. قرآن وقتی می فرماید: واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا و می فرماید: ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ربکم این طور احکام مترقی سیاسی، که اگر بدان عمل شود، سیادت عالم، مال شماست. و در مورد دیگری می فرماید: دوری ذول اسلامی از قرآن کریم، ملت اسلام را با این وضع سیاه نکبت بار مواجه ساخته و سرنوشت ملت های مسلمان و کشورهای اسلامی را دستخوش سیاست سازشکاران قرار داده است.

المؤمنون
روح الهدى
رسول الله

«انَّ الدِّينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»

«همانا آنان که اهل ایمان و نیکوکارند و نماز به پا دارند، آنان نزد پروردگارشان پاداش نیکو خواهند داشت و هرگز ترس از [آینده] و اندوه [از گذشته] نخواهند داشت.»

(بقره آیه ۲۲۲)

نماز

روز آخر، از ساعت هشت الی ده صبح دو سه مورد که متوجه می شدم امام شهادتین را بر لب جاری می کنند و حشت می کردم. نزدیک می رفتم می دیدم ایشان مشغول خواندن اذان و اقامه برای نماز هستند. گویا حتی برای نماز مستحبی هم اذان و اقامه می گفتند یا اینکه ذکر دیگری می گفتند که ما درست متوجه نمی شدیم. بعد از ظهر با این که حالشان به وخامت گراییده بود باز هم لحظه ایی از ذکر خدا و نماز خواندن غفلت نمی کردند.

(سید احمد بهاء الدینی - پاسدار اسلام - ش ۹۱)

آخرین نماز را با اشاره خواندند

روز آخر هنگام مغرب، پزشکان با توجه به آنکه حساسیت امام به نماز را می دانستند، صدایشان کردند و گفتند: « آقا وقت نماز است ». امام که از ساعت یک و نیم بعد از ظهر بیهوش بودند، نسبت به این صدا عکس العمل نشان دادند. همه ما شاهد آن بودیم که ایشان در آن حالت بیهوشی با حرکات دست و ابروها، نماز مغرب را به جا می آوردند.



جلوه ای از کلام نور

شما انقلاب اسلامی کردید که اسلام را ترویج کنید، که اسلام و احکام اسلام را پیاده کنید.

در اسلام، از نماز هیچ فریضه ای بالاتر نیست. چطور نماز را اینقدر سستی می کنید در آن؟

(صحیفه امام ج ۱۲ ص ۳۹۲)

نماز یک کارخانه انسان سازی است... فحشا و منکرا نماز، نماز خوب، فحشا و منکرا از

یک امتی بیرون می کند.

(صحیفه امام ج ۱۲ ص ۳۹۲)

الْمَوْبُوءُ
رُوحُ الْهَيْدَرِ
رَبِّهِ

